

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه تفصیلی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۸

شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

توپ و تفنگ یا سلاح دانش؟

فرش توپ، صدای طبل و اخبار
بیب، ناله پیرمیران و اطفالی که در زیر
این سلاح غاناسوز جان میدهد، گوش
عالیهان را پر کرده. آنها بیک از بودیک
فاظرند دلپاشان سنگ شده و آنها بیک
دورند بسفالت و سفنی های تاج آن
عادت کرده اند.

جهان رفته رفته جامع و صفات زده
میشود. خیال زدگی آرام کم کم باید
باید بیکرود، در هر صاحبیت از سازمان
لون دیاست، سازمان لونی که در سایه
آن مردم دنی از هر یک و هم روح کشی
آسوده باشند.

ما هم در این جهان پر غوغا و
و آشوب زندگی میکشیم، میخواهیم باد سگران
هم آهنگ شویم، ما هم میکشیم از آرایش
دیبا میخواهیم استفاده کنیم ما هم میخواهیم
صنعی بوجود آید، ما هم طولانی و بیک
هوشگی تا جایی کشیم تیر و کشت و کشتار
صمیمیت و حقیقت بین مثل برقرار گردد.

مثل دنیا بر سر آن مطالب که بین
شود فراری نگذارند، و حدود ارضی و
منازع بیکدیگر را به نحو رضایت بخشی
میین سازند. گروهی جمع میشوند، ما هم
میخواهیم تنگنایان در جهان مین گردند
و یادش زحمتی را که در این راه متحمل
شده ام دوبافت دارم.

در این موقع که جهان از املاء سزار
شده و میخواهد، سر نحوی که دست آرا
از میان بردارد با همه دگر ما هم در داخله
خود این منظور را تقبیل میکنیم.

مثل جهان اسلحه در دست گرفته
تا استلای خود را بر دیگران ثابت کند
طراحی کرده و آدم کشند، تا نام خود
و سمن خود را بالا نرود و بزرگتر از
دیگران گرداند. باید روح و بیروزی و
بشق برتری و آفاقی جاها سیرندولی
ما اسلحه در دست گرفتیم تا جهان هم
انیم. آدم کشیم برای اینکه جوس مال

احضار فرمانده لشکر کردستان

بر اثر تذکرات اصلاح طلبانه ای که دادیم سرتیپ هوشنه
افشار فرمانده لشکر کردستان بر گرا حاضرند و صبح روز چهارشنبه
گذشته بنهران وارد گشت.

اگر چه میدانیم ستاد ارتش بیگونی صلیاتی که در کردستان
انجام گرفته تا حدی واقف است ولی لازم است در این مواقع که
فرمانده لشکر در طهران است مطالب ذیل کارا روشن شود تا اخذ
تصمیم مناسبی از طرف ستاد ارتش مقدور باشد:

۱- علت پشتیبانی فرمانده لشکر از امضای سانی چیست؟
و علت چیست که با وجود اینکه چندین مرتبه فرمانده لشکر این
شخص را بسندج احضار نمود و پیامده در قبیل این نبرد فرمانده
لشکر چه اقدامی نموده است؟

۲- حقیقت واقعه چاف چه بود؟ چه طریق روسای چاف
بایران آمده اند؟ بطور دستگیر شده اند؟ چه حکمی روی داده؟
چه غنائمی بدست آمده؟ چه مقدار لشکر با حساب آمده؟
غنائم و اختیارات چه صورت و چه حسابی منظور شده است؟

۳- علت بد رفتاری و خشونت فرمانده لشکر با مردم چیست؟
۴- چرا دستور خارج سلاح را فرمانده لشکر از مالکین شهری
شروع نموده؟

۵- تقبیل توقف شمس جلال در سندهج و منزل ایشان و فرار
او بوسیله جیب شماره ۱۱۵۹ صحت داشته باشد؟

اگر نتیجه تحقیق این مطالب نتوانست وجداناً ستاد ارتش
را قانع کند شایسته است حقایق مکتشفه در معرض افکار مردم فرار
داده شود و این اگر تحقیقات، تسامح با اشتباه و بیاسوره لیت را
ثبات نمود شایسته نیست. نصفه مهم سرحدی مانند کردستان را دستخوش
ایمیل شخصی و موسساتی اشخاص قرار داد بلکه باید کارکنان
فرمانده لشکر فعلی باید امیدواری مردم را بر ابرام و توجیهات دولت
بیش از پیش جلب نمود.

دو لکر نبودیم بیصاحب و احوال و اختلافات جزئی در ارتع - ازیم هر جا
نقار کوچکی بود آتش آن را دامن زدیم تا شاید بازار اسلحه و
تهدیدها حکمفرما کنیم. جای فرمانده و تربیت، جای روشن بودن
افکار مردم با اسلحه متوسل شدیم. اسلحه را تنها راه حل مسائل
دانسیم و سرگویی بحق با ناسق را در سر لوحه اقدامات مملکتی با خط
درشت نوشتیم. هنوز هم شیده مهم که در حال کنونی هم باید در هر جا
با اسلحه متوسل شد و برخ عس کس باید اسلحه کشید.

دستور مهم اسلحه ای که در دست مردم است - جمع آوری
شود. میگویم توای دوانی مردم را از شرد و در اعزین در امان خوانده
گذشت لامل از این که همین دستور، دزدان مسلحی را - جان مردم
بچه در صله ۸

در مجلس شورای املی

جلسه پنجشنبه ۲۳ فروردین

ابتدا اتصال اعضای شب شروع شد و بر تریب ذیل رای گرفته شد.

گنجین و دارائی ۱۸ فرد اکثری ۱۸ نفر، کشور ۱۸ نفر، فرهنگ ۱۸ نفر بازارگانی و پیشه و هنر ۱۲ نفر، راه ۱۲ نفر، خارجه ۱۲ نفر، بهداری ۱۲ نفر، نظام ۱۲ نفر، بهت و تلگراف ۶ نفر پس از اخذ آراء قرار شد نتیجه در خارج معلوم و در جلسه بعد اعلام گردد.

سپس گزارش گنجین و مرغی ها خوانده شد.

در این موقع پیشنهاد آقای دکتر مصدق مبنی بر ایسکه گزارش گنجین و مرغی ها در اکثری راجع بآقای نهمین خوانده شود قرائت شد و آقای دکتر مصدق مطلق مصلحتی که در حدود یک ساعت طول کشیده ایراد نمودند.

آقایان دشتی و لنگرانی نیز بیاناتی ننوده و جلسه در نتیجه عدم اکثریت تعطیل شد.

جلسه یکشنبه ۱۶ فروردین

آقای نهمت وزیر خرس مبنی بر اظهار تاسف از قوت برزیدنت روزوات ایراد نموده اظهار داشت که بآقای عدل رئیس هیئت اعراسی تلگرافی مخابره شده که بانق وزیر مختار ایران در مراسم تشییع جنازه حرکت نمایند سپس آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس نیز خرس مبنی بر اظهار تائید از این شاهبه ایراد نموده نمایندگان یاس احترام رئیس هیئت و فید به دقیقه سکوت اختیار نموده و -

اخبار داخه

هیت دولت

در این هفته با وجود ایسکه حدس زده میشد که تکلیف دولت معین شود تغییراتی حاصل شده.

رئیس هیئت نمایندگان

آقای عدل بست ریاست هیئت اعراس ایران در کنفرانس ساغرافسبکوانتخاب شده.

معرفی نمایندگان

آقایان دکتر شفق، دکتر عبده و دکتر اعتبار از طرف مجلس برای شرکت در کنفرانس ساغرافسبککو معین شدند.

تقدیم گزارش

آقای نهمی وزیر مشاور در امور اعراس و الاموریت اسفهان گزارش خود را بآمان حسنت وزیر تقدیم نمودند.

تخصه هیئت نظارت اقتصادی

آقای سرف امین نواب طریق منصوب هیئت نظارت اقتصادی وزارت اقتصاد انتخاب شدند.

بهبودی کسالت وزیر جنات

طبق تلگراف رسیده از بیت المقدس پس از عمل جراحی و استراحت چند روزه

مجلس یاز پنجاه دقیقه قبل از ظهر تعطیل گردید.

از طرف مجلس شورای ملی مجلس ملی آمریکا و خانم روزوات تلگراف تسلیت نیز مخابره شده است

در یارستان حال روز چنگه روی پیروی است.

رئیس بهداری استان ۲

آقای دکتر اسزاده رئیس بهداری گیلان بر ریاست بهداری استان هفتم منصوب شدند.

رئیس اداره راه کردستان

آقای مهندس ریاضی اواسطهان تبریز ماموریت یافته و ریاست اداره راه کردستان منصوب شده اند.

معاون فنی اداره امور شهر

آقای مهندس سعید فزونی شهردار سابق کرمانشاه ریاست معاونت فنی اداره امور شهر منصوب شدند.

تهیه لایحه دو دوازدهم

لایحه دو دوازدهم از طرف وزارت دارائی تهیه شده و برای تسریع در پرداخت حقوق کارمندان قریباً بیججلس شورای ملی تقدیم خواهد شد.

بازرسی وزارت

آقای حسن کریمی ریاست بازرسی وزارت امور خارجه منصوب شدند.

تشکر و تودیع

از هموم دوستان واقوام که در مدت توقف چند روزه در طهران اظهار لطف فرموده اند نهایت تشکروا دارم و اگر کردی شرفیابی یا عرض وداع ضروری شده باشد بدینوسیله مدفرت میجوام.

سر بهر حسین اردلان

کنید ولی (برابر درود و نامسایب را بویید)

ملاحظات نامه کوهستان برای دوچ شکایات شما باز است. هر شتم و فشاری که بر شما وارد میکنند با اطلاع رعید و از تهدید این و آن بترسید. لا نوروزا باید به شتم شرم و اعطاعت کرد. اصلاح قانون غیر از توری خوردن است. قانون را اطلاع کنید ولی (برابر درود و نامسایب را بویید).

ترجمه و نگارش: آقای منصور شاهنواز

مشاره دزدان

فصل اول

میخانه کلابر

اسبهای ضعیف بر حسب درهنگ را در میان جاده متغلاخ میکشیدند هراس کلوانه از کندی حرکت درهنگ به تهم آمده و حالیکه سر را بطرف درهنگ چپ بر میگردانید گفت چرا اینقدر آهسته میروی !! مثل اینست که این درهنگ چپ هرت میرود آه اگر من این حلاق را در دست برداشتم آنوقت میدید که چگونه این اسبهای نالردن را میرانم و چون حلاق را در دست نهادت با زبانی عشن و لحنی زننده آنچه از دشنام های ابقالیانی که تا آذولت آموخته بود بر درهنگ چپ بیچاره شمرده و باو امر کرد تا بهر نوعی که ممکن است آنها را با سرهت بیشتری بقصد برساند.

خانم کلوانه، چون پسرش را ساکت دید با صدای شکایت آمیزی گفت، من هرگز نمیرواستم با این کشور غیر متعهد قدم بگذارم، حلقوناً ترک کردن شهر نابل آنهم با آنچه وسایل آسایش و راحتی برای من که در مرضی هستم چیزی مزه بوانگی نیست.

مادر جان، لایحه ام چرا اینقدر برای حرکت کردن از هرجون انگیز نابل تاسف میخورید، زندگی گمانی بکناخت و می توقع نابل روح سرا پکنی شده و فرسوده ساخته بود. آیا این هفتشتک طبیعی را هیچ بهنوا با نابل مقایسه نموده چگونه روح شما از دهن این همه زبانی های طبیعت

شاد نباشود؛ چگونه از دهن مناظر شکفت آورد و زیبایی چون این جگر های ابوه کاج و سرو، درختان سرد هم زیتون معقوظانی شوید!!

آه درخت زیتون چه درخت زشتی، زمین را آساید، شومد مزون و اندوهناک میسازد. چقدر از این درخت متنفرم!

مادر جان خواهش میکنم اینقدر خود را بیپوده آسب و بزمردده نسازید، قدری خود را نگاه دارید، این درختان را بنگرید سکه چگونه نسیم آنها را حرکت در میآورده.

اما خانم کلوانه که هرگز نمیخواست در هادی فرزندش هربک باشد. گلت از تاشاهی همه این زیباییها بیارم آه خدایا کرما تاب تو انوساب کرده، پس کی بشهر منطاشی خواهیم رسید زود از درهنگ چپ سترال کنید. درهنگ چپ بدون اینکه سر را برگرداند شاهعارا بالا انداخته گشت؛ شاید عصر با آنجا برسیم. مرد جوان با شغوت جواب داد: آه، خیلی دیر است! آه اشیا جالی را سراغ ندهارید که مایه تو انوساب من استراحت بکنم؛ درهنگ چپ سر را برگردانید، گلت؛ چرا آقا، اینجا مکانی برای استراحت شما هست. و سپس بانوک حلاق خانای را که بر روی تپه فرارداشت سرد جوان نشان داد.

هراس رو بیادش کرده گفت: خانه عجیبی است؛ گمان میکنم جای مناسبی برای استراحت شما باشد؛ خانم کلوانه با تمام قوا فریاد کرد: امنیت ندارد! توقف کنید! مگر نمی دانید که دیگر قادر به ادامه راه نیستم.

هراس گلت گمان میکنم افلاک تو آنجا چیزی بیایم که بتوانیم با آن کلونی تازه

پيام آگاهي مظهر اردلان

بيان حقيقت

كنتم خيراة اخرجت للناس ترمون بالعرف و يهدون عن النكر و يؤمنون بالله - از اول خفاقت بشر تمام انبيا و حكما كه اطرف ذن حق چلت عطفه بر كوزنده و فرستاده شده اند براي اجرائي قانون عدالت بوده كه جنس بشر از هر و آزار نوع خود راحت باشه و تمام نلافت و غفلاي الهى و طبيعى بشر را بسلام و صلاح و نوع پروردى دعوت كرده اند -

فردوزگار تمدن امروزه چه بيش آمده كه مردمان مشهون با آلات و ادوات جبرالقول بجان هم افتاده و ملبونها غلوس ز كپه را بهوس رايى از جهات سائط و اخوتوريزى خسته نبشونه كه ام دست است كه سلف ظل از مردمان ذيقبل نموده و آنها را بنوع كشي تشجيع كرده و ابدأ بكنده وحم و مروت و عدالت در نود آنها پائى نگذاشته و هب و روز بشالي و برادر كشي مذنونشان داشته است - فريلهن متعاصمين هر يك بلساني حق بهود داده و اين قتال را براي اجرائي عدالت و آسائش ممدى نوع شر بيان كرده و منيون هالوس بگشتن داده و با زهم مذنولدان فعلت از لغوت و خود پرستى پاچهايت و بي غفلاي المراد بشارت داده اگر بهاي من قبل نكشاً بقتير لمس او فساد فر الارض لكنا قتل الناس جميعا توحي ميشه و ايمان بخدا و فرستادگان خدا داشته مغلان دها باين قسم جنگها مبادرت نموده و مسلم و صلاح نوع بشر را دعوت بشاه راه سعادت و برابري و برادري ميشودند

تمام خطايا از خود پرستى و لغوت زمانه اراي مال است و به آ غفلت صومى از خدا پرستى و نوع دوستى پنهاناً اگر افراد بشر خدا شناس بوده به چون بايشي الهام نسي نبوده ببول هوم ضرر و اذهر چاهلو گيرى كنه منفعت است اينكه با نهايت احترام بصوم غفلاي و نياراسته عاو درخواست ميشود كه بيش از اين باين جنگ خاسات برانه از ادامه داده بدلمح صومى نوع بشر را آسائش داده مفاد بشي آده اعضاي بيگانه بگرند كه در آفرينش زيه جوهره و ادر نظر گرفته دباي شراب و احمال و مسلم و صلاح آسانا بنه الهام احمال و اوب امور نا خير اترادنا صحبت بود گفتيم والسلام على من اتبع الهدى

متر كين محترم

دوسوويك و وروانه شمارسيه اطفاناً ما را مطلع فرمايه (بر امره) آء س شماره زمانه مفرستيم

راه آهن و اتوبوس ها هم متوقف كرده .
صوم مردم بريبا خاسته و كلاه خود را برداشت دها كرده
شهر نيويورك كه مسولا خبلي هاو غ زير هياهوا است ناكيان
دوسكوت محض فرورفت مردم در كلساها و كپه ها و ممايه مراسم
پاد و در گذشت رئيس جمهور متوفى آمريكا را برها كرده در -
حاليكه اكثر نمازه ها سه و جلوي آنها هكس رئيس جمهور آمريكا
كه با پارچه سپاه احاطه شده بود فرار داشت .
مراسم رسمي عزاداري دوسيني سال يارك برپاست (لاكارهيا)
شهردار نيويورك اجام ده سيني سال يارك در چته كپاوترى معلى
واح است كه هفتاد سال بيش بفاهاي جسده آبراهام لينكن را كه
مانند روزولت در زمان تصدى راست جمهورى در گذشت در آنجا
به يك سپرده اند زيرا بفقيره اهالى نيويورك روزولت هم مانده -
اينكن حيات خود را دوره ملت تمام كرده و براي بيش بردن جنگ
و تا اين يك صالح با بهار بيش از نوره خود كار كرده و زحمت كشيده
است .

فوت روزولت رئيس جمهور كسورهاي متحده آمريكا

روزولت رئيس جمهور ممالك متحده آمريكا در وارم-پرينسز واقع در ايالت جيورجيا ناكيان بر اثر بيمارى زف المم زنه كوي را بطور دكث ترومان حضور مجلس سنا و معاون رئيس جمهور همده در امور كرده .

ترومان اعلاميه اى بشرح ذيل خطاب بملت آمريكا صادر نموده :
شماى لايزال با تدبيرى استبايحى خود چنان خواست كه مرا كتن روزولت سرود مين رئيس جمهورى آمريكا را ازما بگيرد .
روزولت كه در بزرگترين جنگ كويى رهبر مات خود بود با اندازه كافي زنده ماند تا بيروزي خود اطمينان حاصل كند ليكن با اندازه كافي براي شركت در استفاده از محصول بيروزي باقى نماند .
وى با اندازه كافي براي مشاهده نخستين پايه هاى ملك دباي آزاد و صاحبور كه زندگاني او وقف آن گرديد باقى ماند ليكن همكاشي براي دخول در اين دنياى جديد نياقت قطعه آمريكا ز نيو و تهور او محروم گرديد .

ليكن آشى كه اين نيو بوجود آورده از ايمان بهواهد رفت زيرا شجاعت مردن بزرگ مداز ريك آنها باقى مانده و تبديل به شجاعت ملت و تمام مائتهاي دنيا خواهد گرديد و بيمين جبهه است من رئيس جمهورى آمريكا روز شنبه آينده چهاردهم آوريل را براي روز تشيع جنازه رئيس جمهورى فقيد تعيين نموده و آنرا عنوان روز سوگوازي و نماز و سر نماز آمريكا اعلام ميدارم و از ملت آمريكا دعوت ميكندم كه در اين روز در كلبه كلساها گرد آمده و در مقابل مشيت الهى بزانو در آمده و از نه قلب مراتب احترام و بوفت خود را نسبت بآن مرد بزرگى كه اسرروز از مرك او اشكيار است ابراز دارد .

مراسم تشيع جنازه روزولت

واشنگتن - خبر گراي فرانسه خبر ميدهد كه قطار حايل تابوت روزولت امروز ساعت ۱۰ از وارم-پرينسز وارد ايستگاه واشنگتن گرديد .
ترومان رئيس جمهورى و تمام اعضاي كابينه و همچنين مارشال كينك و خانم و بگيرد رخت روزولت و زيرال ايوت روزولت پس رئيس جمهور چهارم روسوى بران اداي آخرين احترامات بقطار بالا رفتند و آنكاه پايان آمده و در اتوبوهاى جاي گرفتند .

لغت خانوا روزولت و پس از آن اتوبيل ترومان رئيس جمهورى حرکت ميكرد .
دستجات بزرگ نيروي هوالى و اعمى و دويانى و هوا و توپه توب حاصل تابوت كه از پرچم آمريكا پوشيده شده بود حرکت ميكرد .

موزيك نظامى با لغت مارش دره در فرانس و ميس هنگام ورود بايستگاه واشنگتن سرود ملل آمريكا و آنكاه در سرتاسر ميس مارش هوا ميواخت .
شماره تماشاچيان لغت چهارصد هزار تن در خيابانها مبرسيه ليكن دقيقه دقيقه حسرت زياد تر ميشد .

سر جوا امونار رئيس جمهورى فليلين براي عرض تسليت به نام روزولت بايستگاه آمده و در تصور ميروود كه جيس روزولت پسر ارده آسرحوم براي دوي يكشبه كه مراسم تدفين صورت خواهد گرفت خود را به آمريكا برساند .

عزاداري

نيويورك - بشرا اظهار جبر گراي فرانسه با آغاز دوره سى روز عزاداري سا كين نيويورك از اجام مراسم تسطيل آخر هلا صرف نظر نموده و روز شنبه را بياد در گذشت روزولت رئيس جمهور آمريكا اختصاص داده .
درست ساعت ۱۶ ميني هنگاميكه كاخ سفيد مراسم سوگوازي را اعلام داشت كلبه سا كين آن شهريان بيقينه سكوت اختييار كرده ادارات تگراف و تلفن تسطيل شده و زده در نيويورك حرکت

پلم آقای ناصر توانا

پلم آقای دکتر یونس بهرامی

مصرف و شست و شوی روزنامه نگار

جناب آقای دکتر اسماعیل اردلان - مدیر محترم نامه گرامی کوهستان
ببخشوام ابتدا بساکن خودصفتی بر سر کار تقدیم کرده باشیم تا مگر برای درج مقاله اش شفع و منع شود.

با نیکوخواهیم عطف توجهی به همه خدمتگزارانی خود نموده عرض کنم سالیانست روزنامه آریز به یاری با یاریاب مضبوط کشور را داشته و ینده شاید از جمله کسانی باشم که دوزمان نغد و پولوری و آن - انتقادات کند! نام شکسته خود را و لقب آزادی فکر و زبان نموده و آنچه بفرم میرسد میخوانم و میفهمم.

همینقدر متواضعم چه ا کردیت را بوجود آن دانشمند گرامی تبریک بگویم و موفقیت را در خدمت گذاری و تکرار آن خدایوند بیدلیل بخواهم.

بلی نامه گرامی کوهستان شاید همین شریبه باشد که در افق مطبوعات ایران درخشیدن گرفت او مراش طرفه آری و افاق حق از لبونها ایرانی رشد و پک عقیده و نماینده افکار پیکامه است که طرفدار عظمت و استقلال ایران و آرزومند وجود قدرت و سفت دولت با اقتدار و بی نظری است که بشهارت تاریخ از غرنا پیش جان و مال و هستی خود را بر رخ ایران دانسته و در سوانح سخت از هج قدر گازی مضافه نموده اند.

ار این کسی که بفراتر از حد برای دفاع از حق کرد و کوهستان و روشن کردن پاره حقیق سبب که ماسورین ماده پرست و مغرض پیش آورده و سوء تفاهمی ایجاد کرده بودند قدسی بردارد (آقای مبرز غلامی هوشمند گرامشاهی بود) که بپدام مانده یا مرده (گر رحم شده خدایش بیامرد و اگر دقیقه حیات است بادش بپذیر باد)

ایشان برای اولین بار هستی خود را وقف غریبه دودستگاه ماشین چاپ و مقادیری صرف و پیک ماشین کلیشه نموده بگردن آمد و پایه روح زنده و بوشنگاری نظری مضبوطه تاسیس و مبانی متغیر و برای هدایت و تئور انکار و تشویق همه از ارباب فکر و جلب توجه آنان بنسب و مطبوعات چاپ مقادیری کالذ و پاکت و کارت و بیزیت مبادرت و عسارتی اجاره و سازمانی داد.

بنا به تاسف باید اذعان کنم از همه ده نظری که قبلا انتهاب و برای آنها مطبوعاتی ارسال و از طبقه ستاره و اخرا می کردستان بودند. همه اساسا از قبول مطبوعات خودداری و جسی نیز نصف بهای مطبوعات او را برداشتنه.

هر حال بافقدهان و سایر دو کردستان مقادیری کالذ و زو نامه تهیه و مقدمات انتشار روزنامه پنام (نامه کردستان) فراهم ساخت! در آن هنگام که بنده سناستمداد کالی برای شرکت در این نوع امر مهیه در خود نمیدیدم و معیظ لذ گایم نیز چنین اجازه وانی داد - من ذلک دست بظابط دارم که در قسمت انتشار این روزنامه بهسم خود زحمت ها برده ، و حتی در تهیه (کلیشه نامه کردستان) سکه عنوان روزنامه بود سفت خود اقدام

و روز افتتاح اداره روزنامه نیز در مراسم افتتاح مشارکت و پدرم (محمد چهری سید دیوان) آزادی کردستان سردبیری آنها را انتخارا قبول و مقاله اساسی آن پلم دانشمند اجل آقای آیت الله مردوخ نویسنده تاریخ کردستان تحریر و هنگام نشر روز نامه تضادنا مواجه با زمانی بود سکه دولت ایران قذالی بر سر کوبی اسماعیل آقا ستغوا اعزام کرده بود .

که مانامه کردستان را بگذر انتقادات دولت و تجلیات برله قدرت مرکزی و جلوگیری از هرج و مرج و خود سری و تنقید از روزه اسماعیل آقا و روشن کردن زاویه های تاریک مطلب اختصاص و شماره اول آن در بگورق قطع زورک در دو صفحه پشت و در و کار کالذ و رنگی انتشار و برای ترویج رتشتون این شماره مجانا پیش گرفته .

بچه در صله ه

نامین بهداشت کودکان

از چه موقع باید آغاز شود؟

۱- **خوراک و بهداشت** - خوراک های تمه و محرک باید خورد - بیوست مزاج. ا بوسیله خوردن اقسام میوهجات و بعضی از داروهای ملایم و ملین مانند پاراسن - روغن بادام - منیزی جلو گیری و معالجه نماید
اگر ترشی مده و موجود باشد با خوردن کمر جوش شیرین مرتفع بشود - نیزه پاک نداشته باشند دانه آنها مراقبت کامل نموده و پیوره و گرم خوردگی دندان را زودتر معالجه نمایند .

۲- **جهاز تناسلی** - اعضای تناسلی زن باردار اهمیت مخصوصی دارا هستند زیرا این اعضا سه تها - زل برورش و حیاط چنین میباشد بلکه باید هنگام تولد نوزاد را از اجزای خود عبور دهند . پس اگر هنگامی ترشح سفید رنگ موجود باشد سبستی صبح رخصر مهبل را با آب پرمنگنات (ادر ۱۰۰۰) با فشار کم شستو داده و داروهای که پزشک دستور میدهد استعمال نمایند - این ترشح مکرر است مربوط بسوزاک باشد در این صورت بوسیله شستو با جوشانده گل غطی و بیکربنات دوسود و مالش ضاد بقسمتهای خارجی بزودی مرتفع خواهد شد .

۳- **نظافت** - بهداشت بدن بیش از هر موقع دیگر باید دقت نماید - آب حمام در حدود ۳۷ و مدت آن از بیست دقیقه متجاوز نباشد .

۴- **بستانها** - از همان اوان آبتنی موجب پستانها از واجبات است - دوسورتیکه ترک خوردگی با کرما در اطراف نوک پستان موجد باشد معالجه نموده و در پیک نگاهداشتن آنها دقت وانی پس آورند .

۵- **معاینه پزشکی** - هر زن باردار باید دوره آبتنی خود را تحت نظر پزشک با انجام رسانه زیرا آنها بهین طریق است که از بروز بسیاری از احداثات و عوارض (ایمان میتوان جلوگیری نمود - مثلا آزمایش خون مهم است زیرا دوسورت مثبت بودن (و اسرمن) و مشکوک بودن سلولیس باید جدا در صدمه معالجه بر آید تا کودک او را از عوارض خطرناک مایس ارضی مصون سازد . نیزه ادر زن باردار بعد از هشت ماهگی ماهی در مرتبه باید تجزیه شود تا دوسورت وجود آلو مین رژیم مناسبی تجویز نموده و از عارضه (اکلامیسی) بپونج جلوگیری شود .
بالاخره برای زنانی که مواد آهکی استخوان پندی آنها کم است پزشک در سه ماه آخر حاملگی داروهای مقوی ر آهکی تجویز خواهد نمود -

طبیعی است که برای تمه نکات اساسی بهداشت کودکان بایستی مضبوط را از چاهی شروع کنیم که کودک بر طبق ناموس طبیعت از هلام نیستی با سر صه هستی میگردد یعنی زمانیکه کودک در رحم مادر بحالت چنین بوده و رفتن رفته خود را برای زنده گی در دنی خارج آماد و مهیا میسازد .
زیر ادر همان مدت نه ماهه وانی زنده گی چنینی است که جسم و روح کودک تا ح مستقیم خون ما ر بوده و با او اساس زنده گی آینده او آماده میشود . بنا بر این برای آنکه چنین بهترین طریقی رشد و نمو نموده و هنگام تولد صحیح و سالم باشد لازم است بانوسی که حامل آن است در رعایت بهداشت نهایت دقت را بعمل آورده و مخصوصا نکات هفت گانه زیر را عوارض در مدنظر داشته باشد :

۱- **لباس و پوشاک** - لباس زن باردار باید طوری باشد که وی را از سرما خوردگی محفوظ نماید - لباسیکه تک و با رنگ بوده و بنا حیه گرم و سینه فشار بیارود مضر است - استعمال شکم پنه بند او دوماه بزرگی زمانی که عضلات شکم آنها خل و بدون قوام است لازم خواهد بود .

۲- **استراحت** - اولاً برای بانوسی که زنده گی نسبتا مرله عالی دارد از کار های خانه داری بر کنار میباید تمرین و ورزش بدون خشکی ضروری است - ثانیاً برای زن خانه دار و رحمت کشی که تمام اوقانش صرف کار میشود کارهای خسته کننده و طاقت فرسا را باید تفهمن نمود .
چنانکه دروسبه خودوی زنان کارگر که آبتنی میفونند شش هفت قبل از وضع حمل سه هفت بعد از آن از کار معاف شده و علاوه بر استفاده از حقوق مقداری هم کمک معاش دریافت مینمایند .

مسافرت تا سه ماهگی برای (ن آبتنی منوع است ولی بین چهار و هفت ماهگی مسافرت و نقل مکان جایز بوده و بعد از هفت ماهگی خطرناک است .
بانوانی که بوزش متاد و هلافتند هسته بایستی از هر گونه اسراف خودداری نموده و مخصوصا از اسب سواری و تینس و شنا اجتناب نمایند .

همچنین حمل مقداریت در دوره حاملگی بایستی بعد اقل تخفیف داده و حتی دوماه های آخر متروک گردد .

کرد و کردستان

لازم است بدانیم که دو کلمه (کرده) و (کرد) با هم چه نسبتی دارند آیا نسبت درین آنها (تزاوق) است یعنی کرد و ماه با هم تزاوق اند و بر یک گروه اطلاق می شود یا نسبت درین این دو کلمه (عموم و خصوص است) که ماه عام تر از کرد است یا کرد عام تر از ماه است بنابراین باید اول زیاد کرد و یا بیان کنیم بعد نسبت اورا هم بنام شرح بدهیم

گروه کرد همانطور که سابق گفتیم هفتصد هشتاد از زاد آری (هندو اروپائی) پیدا دلی :

۱ - شکل و قیافه ۲ - زبان و لهجه
 ۳ - اخلاق و آداب ۴ - نام و نشان یعنی نام شخصی و نام خانوادگی که کردها از قبایل ایران و دختران خود را بنام آرزو نام میکنند .

اکنون با وجود علاقه مغربیه که به امالی اسلامی دارند باز اکثر همان نامهای آری را ترجیح میدهند از قبیل : فرهاد فرخ گودرز ، هوشنگ ، شاپور ، جشید ، فریدون ، پرویز ، بهمن ، بهرام ، قیدوز ، و انزل آن .

نامهای دختران هم از قبیل : شیرین اوش آفرین ، ماه رخسار ، گلچهره ، آذر مهرنگر ، خورشید ، ناهید ، فرنگیس ، و انزل آن

نامهای گوی از قبیل : زازاه ، کرماج ، لولو ، گوزان ، کاپور ، برازه ، فبادی ، گوردوری ، منوچهری و انزل آن

۵ - کیش و آیین که کردها پیش از اسلام مانند قوم آریان (آری) پرست بوده اند پس آتش را پرستش میکردند و همان آیین زردشت را داشته اند که کیش پس وهوی طوایف (آری) بوده است ۶ تازیخ میکنند که سامیها خدا پرست و عبادت پرست و پایبند آتش پرست بودند .

آثار آتشکده و آتشگاه و علام آتش پرستی هم که هنوز در اماکن اکراد فارس است برهان آری بودن کرد است ۶ - وضع عمارات و خانههای نشین در اکراد اکرادستان امانتهای نشین در این منطقه یعنی امانیکه شب در آنجا میخوابیدند و در پیشق خورشید است برای آنکه هنگام بر آمدن خورشید بدون حال و روح مواجه ناخورشید باشند و مراسم آتش پرستش را تقدیم بدارند

۷ - اینکه هر دوت مورخ صریحاً گفته اند ایران را بر جمیع اماکن شرقی و غربی رانته در بین رود سند و دشت دجله و فرات اطلاق کرده است که مناطق کرد نشین جزو آنست

۸ - پوست پاره مشکوفه در میانیه که سابق ذکر شد

۹ - دلایل و امادات علم آتار و علم اسباب (بیولوگرافی) و (اتنوگرافی) که کاملاً آری بودن اکراد را روشن میکند

۱۰ - تحقیقات و کجکاویهای محققین و مستشرقین . که بالاخره اردلان علیه و قواعد علم (اتنولوژی) و « اتنولوژی » یعنی علم « مردم شناسی و زودشناسی » ثابت شده است که اکراد « آری » خالص هستند و آری پرست بوده اند و با آتش و آذتاب سروکار داشته اند در تواریخ مذکور است که هنگام رسیدن لشکر اسکندر پسر فیلیوس رومی بنواحی شهر زور « در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح » که مردودا یکیش بن پرستی مجبور میشوند . طرف غرب کردستان اردلان که از دوست متصل به پاک (شهر زور) است با شمالی امرسیه اسکندر پرستش اصنام و اولاد او پذیرفته اند . اما امالی شرق و شمال اردلان شوما بر کیش جو سیت و آتش پرستی خود باقی بوده اند . و تئوری در آیین آتار پرست بوده است . فلما طرف جنوب مدتی پیش پرست شده . سپس در اوایل قرن پنجم میلادی به کیش مسیحیت در آمده اند در جوغ تازیخ کلسای قدیم صفحه ۳۰۰ « بعد چیزی نگذشته که بعضی و اهتمام سپهبدان ایران که « پار » نام داشته دوباره به آیین جو سیت برگشته اند .

تفصیل این اجمال اینکه در زمان خلافت خلیفه ثانی فاروق اعظم « عربین خطاب » که عراق متوح گردید . مجال توقف برای « یزدگرد » پادشاه ایران باقی نماند ناچار از (مدائن) رهسپار عراق هجم گردید . بهوالی کرمانشاه که رسید سپهبد ارتش خود را که « پار » نام داشته پسر شاپور پسر کیوس برادر او و شیروان عادل پسر قباد شهریار ایران با دو هزار سوار و قهاری تسوقان روانه « شهر زور » مینماید که اکراد آن منطقه را بیازی شهریار ایران دعوت نماید .

اکراد دعوت سپهبدان ایران را اجابت کرده با تدارک و مهیات جنگی آماده میشوند که ناگاه خبر نوحه یزدگرد بجایب خراسان منتشر میشود .

(پار) از استماع و انتشار این خبر متالم شده ناچار نامه پیشه یزدگرد را کراشهر زور مینویسد :

« خلاصه نامه پار »

چون شهریار ایران پیشتر کسی دوستی خاقان چین . و چاکری مرزبان خوراسان « ماهوی سوری » رهسپار خاور زمین شده اکنون شماها در جاهای خود آرام نیاید . تا شهریار ایران از آتبار سوی اینسانان باز گشته مینماید که آتگاه

صرفوشت يك روزنامه نگار

بقیه از صفحه ۴

بهما از پیش این نامه (و تصمصیم بانیکه در شماره بعدی به جریانات را از ذلالت احنا بیرون بکشیم و در دسترس اولیاء دولت مرکزی بگذاریم)

داستان مفصلی دارد که ماسودین محلی برای برده پوشی حال سوء خود چه اقداماتی کردند و چه دسائسی فراهم نمودند بهر حال اشعاعی را بنام طلبکاری بر انگیخته و سه مهندسی در مقال امور مالی اداره روز نامه ایجاد و دکلن مارا بزودی نفع کردند :

و با تعدیل خسارتی که در ۱۵ سال قبل بالغ بر هشتاد هزار ریال میشد هوشته را متوقف و مجبور بفروش مطبوعه خود به نصف قیمت و خلاصه از انتشار شماره های بعدی جلوگیری بعمل آورد و بفروش مطبوعه هم اکتفا شد و هوشته بیچاره را که از اوضاع واحوال کشورهای مجاورت در مسافرت های بده بده دیده و چینه زبان خاربی آشنا بود بسفاهت و جنون تمهیش ساخت ۱۲

بشام شب محتاج راز کردستان بطوری رانده شد که تا آخر عمر شاید کله کردو کردستان را فراموش کرد :

در نظر دارم که روز تعطیل اداره روزنامه مدماً اشک می ریخت و پشت سر هم این شعر هارامی خواند :

کشور چم چوب استبداد میخواهد هنوز
 بیستوش تیشه فرهاد میخواهد هنوز
 هر کسی بر (ق) قانون میشود قائم خطاست
 گرسر شریزه فولادمی خواهد هنوز

شازاد از دستور شهریاری آگاه می سازم (پادشاه پورزاد) پس از ارسال نامه - پار از گزار سیروان یک کنترل عقب می نشیند . در کنار آبانی بزرگی که در میان جنگل در کر بوده غیبه و خرگام بر میایدارد . ساکنان آبادی مراسم همسان نوازی را کاملاً تقدیم داشتند .

پار از این حسن پذیرائی استفاده نموده آنها را بیعت شهریار ایران و ترک مسیحیت و تجدید آیین (زردشت) دعوت مینماید . و برای آنها آتشکده ساخته بر فراز کوه نیز میباید بنا میکنند که حالام آتکوه را (آتشگاه میگویند) دهکده مراهم یاد گزایاو « پار » نامیده اند که عرب « قاجح » میگویند .

زردک جوانرود از معال (سنندژ اردلان) - پار پس از دو ماه توقف در پاره از خط همدان رهسپار اصفهان میگردد و همه جا مرد را بیاری پادشاه ایران و تعظیم آیین زردشت و تفریق قلوب از اخلاق و آداب عرب بلخ مینماید تا در اسیاب بعضی زرد گرد میرسد و او را از مسافرت خوراسان منع می کنند بطریق سوسو ابی که در بین (پار) (ماهوی سوری) بوده یزدگرد بیانات پار را حل بر غرض میکنند .

طولی نیکشده از مزمه اقتدار اسلام بخوردستان و کردستان و عراق هجم سرایت کرده یزدگرد را ناب توفیق در امپهان نمی ماند و ناچار رهسپار خوراسان میشود . (پار) از موکب شاه تغلب ندوده و باز نذران که میهن اصلی او بوده میرود و در آنجا شازاد - هیر بدی را پیش میگیرد تا بنحی که در تواریخ و هماغنامه مذکور است یزدگرد در خراسان کشته میشود و کشور ایران بی سرپرست میماند که در سال ۱۸ هجری سپاه اسلام با مرغلیه ثانی تحت ریاست امام حسن و عبدالله بن علی و ابی عبیده اصاری و چند نفر دیگر از سرداران اسلام رهسپار ایران میشوند .

از عراق عرب گذشته در نواح کرمانشاه امام حسن و خدیجه پدانی و ثمن بن عباس بن عبدالله طلب بالاشکری مرکب از چند هزار سوار و پیاده بنسخر همدان وری و مازندران همت میکارند

بقیه در شماره آینده

نامه‌ها و تلگرافات وارده

از مهاباد

آقای سید محمد حسینی از مهاباد شرح فعلی اظهار خرسندی از انتشار نامه کوهستان نموده می‌نویسد :

از طبیعت آن نامه ارجمند و سبب گرامی آن تبریک گزیده - امیدوارم در راه آزادی کوهستان از چپاول و تظاول و سره مندی آن از فرهنگ و معارف حقیقی و بهداری قومی اساسی برداشته و به یاد بماند که کردها هم سانی میباشند که قرن‌ها در راه استقلال ایران کوشیده و جانها فدا کرده اند و در آینده هم میتوانند در حفظ کشور خود بکوشند.

از طهران

آقای میرزا عرف مشیری ضمن اظهار مسرت از انتشار نامه - کوهستان و اینکه این نامه به ضاهای مردم را بسع اولیائی امور خواهد رسانید و در بهبود اوضاع گردنل بسیار مؤثر خواهد بود از مقالات جناب آقای آبتاب، اظهار خوشوقتی نموده و منصفانه که بایست وزارت فرهنگ از زحمات ایشان قدر دانی کند.

از سنندج

آقای محمد محمود تحت عنوان فرهنگ گردستان مقاله ای فرستاده اند و می‌نویسند

در اینجا ، در این محیط مرموز گردستان هنوز سازمان لحاظ دیکتاتوری و همان دستگیر و شالی با قدرت ساق خود با بر حاست. هر روز همان سازها ، همان نواهای شوم در این ندی مرگبار طنین انداز است.

دسته مظلوم و شاعران قدرت بیابند این دستگاه طاقه دو فرهنگ سنندج ، فرهنگی که باید مردمان لایق و جوانانی روشنگر را بجامه تنبیم کند بغرض مشاهده میشود.

سپس اشاره مینماید که : از اول شهریور ۲۳ هجری کتیری زن و مرد بیسواد که اغلب دارای سوه پیشینه هستند استخدام نموده اداره فرهنگ جدا از استخدام اشخاص روشنگر و تحصیل کرده خود داری میکنند.

و در پایان می‌نویسد : کسی نیست که مؤثر کند آیا مردان و زنان بیسواد با دارای سوه پیشینه چگونه شایستگی تربیت و پرورش اطفال مردم بیچاره را دارند

از سنندج

آقای سید محمد صادق وزیر شن اظهار مسرت و خوشوقتی از انتشار نامه کوهستان می‌نویسد برای جلوگیری از بیکاری چتر این است که برای تشویق کشاورزان از طرف دولت کمک‌هایی بشود که املاک آباد گردد و وضعیت مردم دو به بهبود ورد.

از سنندج

آقای میرزا ابراهیم امجد ضمن مقاله مفصلی که راجع به علت دادن اسلحه به مالکین نوشته اند اظهار میدارند که تا هنگامیکه اسلحه در دست راهزنان باشد گرفتن اسلحه از مالکین خطاست و این عمل با دقت و توجه بیشتری باید انجام پذیرد. در خانه مردم را به وحدت نظر و طبعه دعوت نموده می‌نویسد بجای اینکه جوانان روغن فکر گردستان دست جات مختلف تشکیل دهند بهترین است طریق مدعی گردیم جمع شده و از هر علمی که بهره وادق ایجاد کند هر چه درج امید آورد پیر هیزد.

تلگرافی از دیوالدره

آقای مظفر حبیبی تلگراف بسیار مفصلی مخابره نموده پس از اینکه مراتب خدمتگذاری خود و قابل خود را چنانچه و چه دستورات اخیر بیان نموده اند هکاه می‌نویسد و بر تلگرافهایی که از سفر بانهای عدای مخابره شده اعتراض نموده اند و تقاضا کرده‌اند که از طرف اولیای

امور بازرگانی تبیین شوند و بوضعیت ایشان رسیدگی نمایند.

از سنندج

آقای هادی شیخ الاسلامی ضمن مقاله بسیار بسیار مفصلی که از شرح اوضاع و سوه استفاده بازه سامورین نگاشته اند می‌نویسد

۱- رئیس دارائی با سامورینی که برای توزیع شکر و چغای و قاش بین رعایا بهارج میفرستند مثل مور و مستاجر رفتار می‌کند یعنی هر بیست پانصد ریخت را اجاره میدهد بطوریکه ماهه در مراجعت باید مبالغ قابل ملاحظه ای به جیب او بریزد.

۲ - کارمندی را که روزانه مالی که مطالبی راجع به بیلیات او نوشته بخواند تهدید به اخراج از خدمت میکند و مطالب بسیار دیگری نوشته اند که متأسفانه جلت کسی چنانچه از آن مقهور نیست برای نوله همین در مطلب کوچک کافی است.

از سنندج

تلگرافی بانهای آتابان علی اکبر امیر زاده - علی اشرف سنندجی - مهیندیس رحیم زاده - علی امیر سنندجی - علیرضا سنندجی و بنی اردلان رسیده که از سوه رفتار آقای ممرات کبیل غله سنندج شکایت کرده درخواست نموده‌اند سامور صالحی بجای او به سنندج اعزام گردد.

توانه آن را باز پس گیرد. آری او فرزندش را تا هنگام حال خویش وا گذاشته بود و بیجهت میکوشید تا دوباره همان اختیار او را بدست گیرد بدینجهت اغلب اختلافات شدیدی میان مادر و فرزند که اینقدر حد دیگر را درست داشته روی میداد و باعث کدورت خاطر هر دوی آنان می‌گشت.

در این لحظه دره‌شکه درجه قدمی به متوقف گشت. خانم کلوانه در حالیکه از دره‌شکه پائین می‌آمد برب گفت چه سمانتی بود که به اینجا آمدم.

این سخن برای هراس که هرگز طاقت شنیدن آنرا نداشت بسیارگران بود درجهت تنها او مایل باین مسافرت شده و فقط بزود خواستش ها و تنها های او بود که مادرش با وجود ازجاری که از مسافرت بهارج داشت حاضر بیول این امر گردیده بود.

اما حالا دیگر هراس آن شادی و فرح اولیه را نداشت. او بهود می‌گفت که اگر میدانستم مادرم اینقدر مرا در این کار سرزنش میکند و روح مرا اینقدر افسرده میسازد هرگز حاضر باین گردش نمی‌شدم. در حقیقت از همان لحظه که آنها شهرنابل را ترک کرده بودند لحظه ای بزرگه زبان سرزنش و شکایت مادر بر فرزند گشاده نباشد. این بار دیگر هراس بگفته مادر اهنائی نکرده بتمنی از دره‌شکه پائین آمد.

در این لحظه هراس داشت هرچه نامش جوان ایتنایی وزنگ بگفت مادر در پیاده شدن آمده بود بقلب زده بکار خویش ادامه داد.

گنیم. و سپس پدرشکه چی فرمان توقف داد ، وقتی هراس بایک ایتنایی طرف صحبت میشد خیال میکرد بایه بانموت با حرف بزده ، گمان میکرد که يك انگلیسی آتم مانند او باید با ایتنالیها با نظر حقارت بنگرد و با لمن منگبرانه با آنها صحبت کند . درحقیقت او انکار بزرگی داشت : او همان اول خیال میکرد که بر همه کس برتری و فنیلت دارد ، نکات دیگری بزرگتر از او افزوده و بنابرین تعریفش کتک کرده بودند او در شهر آن بهوسی از همیشه تحصیلات بر آسه و موفق بود بافت چنین مدال و هدیه های قلابی گشته بود بطوریکه که بزرگترین رتبه را بین مسالانش دارا . چابکی و مهارتش درصیلات و ورزش که درلود انگلیسیها بسیار اهمیت دارد سبب شده بود که همواره و تقاضی زبان تحسین دربار وی گشاده و او را بیش از حد پستایند . کلوانه جوان در نزد خود تردید نداشت که بالاخره چندی پسند مقام هابانی را درجاسه حاز خواهد شد ، به ترقیبات بزرگی نائل خواهد آمد . او خوشبخت را درصحنای پس بزرگتر و بالاتر محیط مقام و خانواده خود میدید. در خانواده خود هراس مرکز با مخالفتی از طرف هیچکس دو برو نشد . و کسی را با تابلات خود مخالف ندیده بود او بگانه فرزند مادرش بود ، و او جزوی فرزند دیگری نداشت . پدرش را در طولیت از دست داده و مادرش تمام جهود کوشش خود را بر روی بنگانه فرزندش مشرک کرده بود . او از ترقیبات پدرش افتخار میکرد و او را در تمام زندگی معیار گذاشته بود ، با ایشمال کلمی میخواست با او بماند که باید از او امر مادرش اطاعت کند اما هرگز با اینکار موفق نشده بود . رفتار لوپا فرزندش مانند سواری بود که گام اسب سرکش را درها کند و دیگر

کوهستان

قرب وقتك باصلاح دانش؟

بچه از صفحه ۱

خواهد انداخت و آن منظور اسلحه را که از جمع آوری اسلحه بهر اعمام نه تنها عاید نمیشود بلکه باز او بر پدرو لرو و اسلحه و گوشه دو نگرمداری و پنهان نمودن آن بیشتر رونق مییابد.

چه نجاشی که در اجرای این دستور بوقوع نمی پیوندد؟! اگر آسایش عمومی تأمین گسرد، مردم خود اسلحه را تحویل خواهند داد ولی اگر دولت نتواند امنیت عمومی را فراهم کند بهج جهت نمیتوان اسلحه را از دست مردم خارج نمود از این دستور چه مردم اشخاص و ایجاد نا امید مردم باقدمات و نظریات دولت چهزید دیگری عاید خواهد شد.

چه خوب بود دولت بجای این که دستور اسلحه را چه به نظریه هم بر همک مهال کند و صلاح علم و دانش را بجای توپ و تفنگ در سلکت رواج میدهد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراك سالانه ۳۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود و اداره روزنامه در حرج

با حك و اصلاح آنها آزاد است

محل اداره: خیابان بهلولی کاشی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۳۶

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانای پیام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ بیانشه

چاپخانه کشاورزی

واحد موضح گلهامار قوچان گفته:

هه سالها که ما در حودشان را برای تبلیغ پتر کسن صحرای میرسد و اگر آنها اسلحه نداشته باشند مسکن است اول آنها را چه خون و لغارت میرسد. لازم بود این قسمت اول از تر کسها شروع میشد.

ولی آنها این موضوع هیچ عمل نکرده و از موقعبک گوسفند های قوچانی آجا رفته هر روز در مکرر رفتی به شده میرسد که روزی ۲۰۰ - ۳۰۰ لایه گوسفند آنها را بشارت میرسد قومورنی که اطمینان داده بودند که اسبت آنها را فراهم کند ولی در بین سال دروغ معض بود و بعداً در آن قسمت اسبت وجود نداشت فقط ۵۰ نفر نظامی در آن قسمت یعنی در تر کمن صحرای اندر مراده تپه بوده اند که آب از خانه خود شاهچام بیرون برده اند خود من خیال می کردم و شامه کاران محترم من حس میکنیم که طرفدار یک ارتش قوی و منکی سات و برای ملت است باشیم ولی مأساه این اشخاص نکرده است هه هه هه.

این است نمونه ای دیگر از زلمات آمودین طابع و خان بدویی است تا موقس که در کشور مبارزاتی در میان داشته و تا هنگامی که حاضر خدمت از هم تنگ نمی داده شود مردم هر چه بگردد روزگار خوش بخود طارانه دهد.

با اکراد قوچان چه معامله میکنند؟

مکن دارند دو مجلس شورای ملی بیان نموده گفته:

« در پنج ماه قبل از این تصمیم گرفتند عده ای نظامی برای خلع اسلحه قوچانیها پس اکراد خراسان اجرام خود.»

در آن موقع بنده پیش جنی کردم که ازین قسمت، لشکر خراسان لفظ دو نظر دارد: یک نظر اینکه بواسطه اسلحه و نام اسلحه از مردم در آنجا پول بگیرد و یکی اینکه قوچانیها را در مقابل تر کمنها خلع اسلحه بکنند.»

« حال گذشته نیست تر به از قوچانیها از طرف اهرار تر کمن لغارت شد و در این لغارت ابتدا از طرف دولت توجهی نداشت و نتوانسته تا کنون اموز لغارت شده و این بگیرد و بر مردم بدهد.»

« فرمانده لشکر خراسان در این -

لغت تاریخ چهار صد هزار تومان از مردم بنام اسلحه در آنجا پول گرفت است و حتی در پیچورد دو نفر برای خاطر پول در خلاق مردند در شیروان و قوچان و سر ولایت (و کلین آقای بوی) جز گرفتن پول و حبس و خلاق و دن نسبت با آنها کار دیگری نکرده است.

آقای سر تپ امیر نظامی از اینجا مامور شد برای رسیدگی، وظیفه خودش را با نهایت دقت و کمال صحت عمل و پاکدانی در آنجا انجام داد بعد از ایشان تشکر میکنم ایشان خود تایید کردند که سیصد هزار تومان در آنجا از مردم پول گرفته شده است.»

« من اینها را بد ششصد هزار اکراد همال خراسان کرده که از اول مشرو بیت تا کنون جز ظلم و تعدی و فشار و زجر چیزی ندیده اند این ها نوقشان این بود که دو دوره در کراسی تا حدی آزادی

داشتند ولی باز همان قلعه ها و اشخاص جائی مسکن است باعث میشوند که اینها به کارهایی برخلاف مقررات انجام دهند و متأسفانه میتوانم عرض کنم که این ضمنی که در این دوره راجع به جمع آوری اسلحه پیش آمده است هیچ دو سه ساله نداشتند و گذشته از آن بنام جمع آوری اسلحه هنوز هم آبادی

این اشخاص در آن قسمتها مشغول عملیاتی هستند و در ای مردم بایوش میروند و با وجود آنکه نهایتیکه شده است آن شخصی که باعث آن همه نكارات شده است الان در شبانهای تهران را دست راست قدم میزنند»

بشاگردان و راهزنانی که بنام مامور و حکم قانون خود را بر جان و مال مردم حکمروا میداند، در گوشه و کار سنگت بجان ملت بیچاره افتاده اند.

اگر قانونی که وضع میشود و از هر دستوری که صادر میگردد راه استفاده ای یافته مستسکی بدست میآورند تا جیبهای خود را پر کنند و باقی ندارند از اینکه این عمل جهت جان باعستی مردم تمام شود. در جلسه بگفتند ۱۹ فروردین آقای و حسین نماینده قوچان وضع اسلحه آورد برادران کرد ما را که در مصلحت خراسان

بدین زوده گرجان نشانم

رواست

از موقعبک و اردا اجتماع شده بودم بواسطه اجساد و تعدیات گوماگون مامورین کشوری و لشکری نسبت به توده مهربان پرست اکراد و اینکه بواسطه آن این جا و مقام خود همیشه این ملت بیچاره و در اذیت و آزار است (اهم از دیگر نا توری و دپو گراسی قنای) آشوب طلب و ما بر این جا و میده اند و در سفری در چنانچه پاره اشخاص میخواستند آموزشان آنرا را بگوش زمامداران برساند غلظ روزنامه ها از روح آرزو بود داری میبوده بنده همیشه آرزو مند بودم که یک فرد وطن دوست دامن عینت سگ بر زنده و نماند که باشر افکار این توده عظیم شده دوست و یمن خرد شده است از ترس ده شکر آله که در ده و به آمال خود رسیده پس موضوع این موقعبک کوهستان که موقدوق مسلم آدی و تر اسماهل اردلان است تا امیدم را بپول پای بدو گلش هلبم راه گلستان از متهیل نمود - بدین ۵۰۰ اگر چنین فشارم رواست - که این زوده آساش خان ماسه - امیدوارم بطوریکه شیوه خاص ایشان است از اصلاح نیک شود که در همه حال حامی شاد و وطن بوده اند سر مشق گرفته با کمال بی طرفی و بی غرضی با من شدت مهم و موق و جیداً - خدمات گرانمای این قوم یک دامن و عیب رایه هم به پنهان گراسی تا ت وسعی که بدست نایک نه شدن مبارز شده کرد و دولت هر کاری بنامه شراب و نابود فرمایند - حسلسی - آزوده اردلان